

عفت برزنونی *

بازخوانی خطبه‌های حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه و شام و احتجاج ایشان در مجلس ابن زیاد

چکیده

بعد از واقعه عاشورا هدایت قافله اسراء، تداوم بخشی نهضت عاشورا به عهده حضرت زینب(علیها السلام) گذاشته شد، سخنان این بانوی بزرگوار سهم عظیمی در پیروزی و جاؤدانگی قیام امام حسین(علیها السلام)، افشاری جنایات پلید بنی امية و بیداری مردم داشته است.

درک بهتر کلام ایشان نیاز به بررسی موقعیّت کوفه و شام و ایراد کننده این سخنان و مخاطبین آن دارد. متن خطبه‌ی کوفه، پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر و آلش، به مذمت کوفیان و سرنوشت شوم آنان در دنیا و آخرت می‌پردازد.

در خطبه‌ی شام نیز، حضرت زینب(علیها السلام) با بیان شیوا به مذمت و محکمه‌ی یزید، جایگاه رفیع شهادت و ... اشاره می‌نماید. هدف از این پژوهش عمق بخشیدن به جریان عاشورا و شعائر آن است که یکی از راه‌های فهم و شناخت این نهضت تحلیل سخنان زینب(علیها السلام) به منظور استنباط برخی معارف و آموزه‌های دینی، سیاسی-اجتماعی و راه‌یابی به ظرایف شخصیّتی زینب کبری(علیها السلام) می‌باشد.

واژگان کلیدی: سخنان زینب(علیها السلام)، کوفه و شام، رسالت، اسارت، روایی دشمنان

طرح مسئله

صفحات زرین و خونین تاریخ اسلام، سرگذشت زنان مجاهد و شجاعی را بیان می‌کند که برای حفظ شریعت و کیان اسلام دوشادوش مردان در صحنه‌ی حساس به مصاف دشمن

رفته و از خود لیاقت‌ها و شایستگی‌هائی در این عرصه نشان داده اند. در این جا، سخن از بانوی است که آوازه‌ی قهرمانی اش با نهضت جاویدان کربلا پیوند خورده است. این بانوی بزرگوار، پرچم پر افتخار ظلم ستیزی و مبارزه با انحرافات را در ادامه‌ی قیام برادرش امام حسین (علیه السلام) بدوش گرفت.

اساس مبارزه و تلاش‌های زینب (علیها السلام) در طول اسارت بر پایه‌ی مقدس‌ترین اصول اسلام یعنی اصل امر به معروف و نهی از منکر و در پی آن جهاد و دفاع از آرمان‌های مقدس اسلامی است.

این بانوی بزرگوار سخنانش را در کوفه و شام بر اصولی تغییر ناپذیر که از مبانی قرآن، سنت نبوی و وقایع تاریخی مایه می‌گیرد مبتنی ساخت.

نفوذ سخنان شیر زن کربلا نه تنها در عصر خویش بلکه در هر جا و در همه‌ی اعصار، پویایی خود را حفظ نموده و دادگاهی است که وجودان تمام انسان‌ها را به قضاوت فرا می‌خواند.

او با خطابه‌های آتشین و کوبنده‌ی خود در کوفه و شام که بر محور ثبیت حق و نابودی باطل استوار بود، سهم عظیمی در پیروزی و جاؤدانگی نهضت امام حسین(علیه السلام) داشت. از سوی دیگر، سخنان ایشان در شرایط روحی سخت و تحمل مصیبت‌های کربلا میان انبوه جمعیت ناآگاه و فریب خورده کوفه با نظارت شدید حکومت نظامی در مجلس ابن زیاد و بیزید، در حضور بسیاری از بزرگان مناطق مختلف، ایراد شده است؛ گفتاری در نهایت فصاحت و بلاغت و محتوایی ژرف و لبریز از درس حق شناسی، امام شناسی، بیان جایگاه عدالت، عفاف و حجاب، شهادت و نیز حاوی مطالب عمیق فکری است که نشان از معرفت سرشار حضرت زینب(علیها السلام) به معارف دینی – قرآنی و مباحث سیاسی- اجتماعی و گویای استعدادهای باطنی و فضایل زینب(علیها السلام) است.

دورنمایی از زندگی حضرت زینب(علیها السلام)

حضرت زینب(علیها السلام) در اواسط سال ششم هجری، در شهر مدینه، حضرت زینب کبری



(علیها السلام) متولد شد. (جعفر نقدی، زینب الکبری(علیها السلام)، ص ۱۷) زینب در لغت به معنای فربه، درخت نیکو منظر و زینت پدر آمده است.

القاب ایشان نیز، صدیقه الصغری، نائیه الزهراء، عالمه‌ی غیر معلمه، محدثه، عقیله القریش و... است. (نورالدین جزایری، خصایص زینبیه، ص ۵۶)

کودکی حضرت (علیها السلام) تحت تربیت خاندان وحی و معلمان بزرگ بشریت چون پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله وسلم)، علی و فاطمه(علیهمما السلام)، حسین (علیهمما السلام)، همراه با فضائل و کمالات معنوی سپری گردید. (همان، ص ۶۷ و ۶۵)

محمد غالب شافعی می‌گوید: از بزرگترین زنان اهل بیت اطهار از نظر حسب و نسب، و پاکترین خانمی که دارای روحی بزرگ و اهل تقو و آیینه‌ی تمام نمای مقام رسالت و ولایت باشد، خانم زینب دختر علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

او را به بهترین شکلی که نمونه‌ی مکارم اخلاق بود تربیت کردند و از سینه‌ی علم و دانش خاندان نبوت آشامید و از سرچشمه‌ی غیبی نوشید تا در فصاحت و بلاغت از نشانه‌های بزرگ الهی گشت، حضرت زینب در علم و کرم و بصیرت در امور سیاست، مشهور خاندان بنی هاشم و عرب گشت و بین جمال و جلال و صورت و سیرت و اخلاق و فضیلت جمع کرد شب‌ها در عبادت بود و روزها در روزه و معروف به اهل التّقی بود. (زکیه امینی، یادگار یاس عقیله‌ی بنی هاشم، ص ۶۸)

وی از آن روز که پیرامون خود را نگریست با محیط زندگانی آشنا شد با مصیبت‌ها و فاجعه‌های درد آوری رویه برو بود. مرگ پیغمبر(صلی الله و علیه و آله وسلم) در پنج سالگی او و حادثه‌های رقت انگیزی که در آن روز رخ داد. پس از بیماری مادرش، ناله‌ها و اشک‌های وی در مصیبت پدر و شکوه‌هایی که از ستم‌ها و رنج‌ها داشت، و سرانجام شهادت غریبانه‌ی پدر، و برداران بزرگوارش بر مصیبت این بانوی با کرامت بیش از پیش افزود.

حضرت زینب (علیها السلام) بعد از حادثه‌ی جانسوز، کربلا بنابر قول معروف بیش از یک سال و نیم، زندگی نکرده و در نیمه‌ی رجب سال ۶۲ هـ از دنیا رفت. مرقد مطهر ایشان در



شام بوده که همواره زیارتگاه هزاران زائر شیفته‌ی خاندان رسالت می‌باشد. (محمد محمدی
اشتهاрадی، ص ۲۸۳-۲۸۸)

سخنان زینب(علیها السلام) در کوفه

فضا و موقعیت ایراد خطبه

درک بهتر محتوای خطبه‌ی حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه، اولاً نیاز به بررسی اوضاع سیاسی- اجتماعی و روانی کوفیان در هنگام ایراد خطبه و ثانیاً با شرایط و اوضاع خاص روحی ایراد کننده دارد.

شرایط سیاسی- اجتماعی و روانی کوفیان

کوفه به مدت پنج سال مرکز خلافت علی(علیها السلام) بود. فرزندان او دارای موقعیت اجتماعی و در خدمت به مردم بودند. زنان کوفه نیز از درس‌ها و جلسات قرآن زینب کبری (علیها السلام) همچون مادرش فاطمه (علیها السلام) بهره مند می‌شدند. مردم این شهر از حشمت و جلال علی و فرزندانش و هم نشینی‌های آنان با فقرا و درمندان مطلع بودند. (علی، قائمی، زندگی حضرت زینب، بی جا، امیری، ۱۳۷۲، صص ۱۰۷-۱۰۴) کوفیانی که، در جنگ‌های جمل و صفين و نهروان در رکاب علی(علیها السلام) تلاش‌ها نمودند، حال چگونه در چنین حادثه‌ی بزرگی سکوت نموده اند؟!!

برخی از محققان در وصف حالات کوفیان گفته اند: دستخوش احساسات تند شدن، قابلیت تحرک آنی، عاقبت نیندیشی، تصمیم گیری سریع و پشمیانی فوری از تصمیم خود از خصوصیات این مردم است.

امام علی(علیها السلام) در زمان خلافت خویش خود رأی‌ها و عاقبت نیندیشی‌های کوفه را بسیار می‌دید. (جعفرشہیدی، همان، صص ۱۰۵-۱۰۸، و ر.ک: رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشوراء، صص ۱۷۳-۱۷۴)

پس از شهادت علی (علیها السلام) و استقرار حکومت امام حسن (علیها السلام) مردم کوفه همچنان به ناجوانمردی پرداختند و در طول مدت ۲۰ سال از زمان صلح امام حسن



(علیه السلام) تا شهادت امام حسین (علیه السلام) کوفه کانون تبلیغات علیه خاندان علی (علیه السلام) بود و بدترین زمامداران بر آن شهر والی می‌شدند، (علی قائمی، زندگانی حضرت زینب (علیها السلام)، صص ۱۰۴-۱۰۷) در این مدت کوفیان متهم متحقیرها و ستم‌های بسیاری از جانب معاویه شدند، بعد از مردن معاویه، کوفه خواهان حاکمیت آل علی که در آن زمان امام حسین (علیه السلام) بوده شد لذا نامه‌های فراوانی همراه با وعده‌های یاری به سوی او فرستادند.

در پی این دعوت به ظاهر دینی غرض‌های سیاسی (حاکی از کینه‌ها و قدرت نمایی در برابر شام و انتقام از شکست‌های گذشته) نیز نهفته بود.

سر انجام کوفه قیام کرد ولی قیامی حساب نشده وزاییده احساسات تندا که در آن ابدأ به میزان قدرت مخالف و میزان پایداری قیام کنندگان توجه نشده بود.

به این دلایل، این قیام با ورود فریبنده ای ابن زیاد به کوفه در مقام حاکم آن شهر، پراکنده گشت، (جعفر شهیدی، پس از پنجاه سال، صص ۱۰۸-۱۱۰) و کوفیان تغییر موضع داده و خود از سپاهیان دشمن قرار گرفتند و حتی برخی نیز در به شهادت رساندن، امام حسین (علیه السلام) شرکت داشتند. (مصطفی حسینی رودباری، بررسی خطبه‌ی زینب کبری (علیها السلام) در کوفه، شماره‌ی ۸۶، ۱۳۸۶، ص ۹۰) در این مورد، شهید مطهری مهم‌ترین عامل اقدام کوفیان در قتل امام حسین (علیه السلام) را جهالت آنان معرفی کرده است. (کبری روشنگر، دانش محمدی، تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (علیها السلام)، علوم قرآن و حدیث، شماره‌ی ۲۲، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۳۳) بعد از فاجعه‌ی کربلا نیز کوفیان برای چندمین بار در تاقضی دیگر به یاد شهیدان فاجعه‌ی کربلا، اشک‌ها ریخته و در صدد انتقام از قاتلانشان برآمدند. (مصطفی حسینی رودباری، همان، ص ۹۰)



در تحلیل این که چرا کوفیان رفتارهایی این چنین ناهمگون از خود بروز می‌دادند باید گفت: اینان به رغم عشق و محبت به دین و اهل بیت، از دو عنصر منفی و شکننده نیز برخوردار بودند که از جهالت آنان منشاً می‌گرفت:

الف) سطحی نگری در شناخت دین: دین، حقیقتی است که هرگاه به درستی شناخته نشود، خسارت‌ش به انسان و جامعه بیش از خسارت بی‌دینی خواهد بود. و بی‌تردید خسارتی که از ناحیه خوارج به اسلام و جامعه‌ی آن وارد گردید، به مراتب بیشتر از خسارت کسانی بود که به طور علنی در برابر حق ایستادند.(جعفر شهیدی، همان، ص ۹۰)

و امام حسین(علیه السلام) در وصف چنین افرادی فرمود: «**النَّاسُ عَبِيدُ الدِّينِ وَ الدِّينُ لَعْقٌ عَلَى أَسْتَهِمْ يَحُوتُونَهُ مَادَرَتِ إِلَيْهِ مَعَايِشُمْ فَإِذَا مُحَصُّوا بِالْبَلَاءِ قُلَّ الْدِيَانُونَ**»؛ مردم بنده‌ی دنیا بودند و در زبان و شعار ادعای دینداری می‌کنند مادامی که منافع آن‌ها تأمین است، چون پای امتحان پیش آید دینداران اندک خواهند بود. (محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین(علیه السلام)، ص ۱۵۵)

ب- سطحی نگری در شناخت دشمن:

ضعف تدبیر کوفیان در شناخت سیاسی دشمن طوری بود که هرگاه حکومتی ستمکار بر آنان سلطه می‌یافت در خانه‌ها، گوش نشینی اختیار می‌نمودند کوفیان به دلیل این خصلت به سرعت مورد تطمیع دشمن قرار می‌گرفتند و سخنان آنان را نیز، مورد صحت و سقم قرار نمی‌دادند.(حبیب الله فضائلی، مرد آفرین روزگار، صص ۵۷-۵۵)

نمونه‌ی بارز این سطحی نگری، تهدید ابن زیاد مبنی بر حرکت سپاه شام به کوفه بود؛ اگر کوفیان به فاصله‌ی هزار کیلومتری کوفه تا شام و تعداد اندک دشمنان در کوفه، توجه می‌کردند می‌توانستند در برابر سپاه دشمن آمادگی کسب کنند، ولی دشمن با آگاهی عمیق از سنتی تدبیر آنان با تحلیل‌های فریبنده، ترس را در نظر آنان بزرگ و یأس از پیروزی را در آنان ایجاد نمود.



امام علی(علیها السلام)، نیز در جهت اجتناب مسلمانان از سطحی نگری در شناخت دشمن فرموده است: «مَنْ نَامَ لَمْ يُنْمِ عَنْهُ؛ كَسِيٌّ كَهْ خَوَابٌ أَسْتَ، هَرَگَزْ دَشْمَنَ اَزْ اوْ غَافِلْ نَمِيْ شَوَدْ.» (مصطفی حسینی رودباری، بررسی خطبه حضرت زینب کبری(علیها السلام) در کوفه، ص ۹۱)

موقعیت و شرایط روحی زینب(علیها السلام) در هنگام ایراد خطبه
ایراد سخن در محیط‌های حساس و پر جمیعت، شرایط خاص خود را می‌طلبد؛ او لاً لازم است که سخنگو تحت هیچ گونه فشار روحی و جسمی نباشد.
ثانیاً در برابر مناظر ناراحت کننده که موجب پریشانی فکر می‌گردد، قرار نگیرد.
ثالثاً مخاطبانش، نسبت به او نگاه منفی نداشته و با دیده‌ی حقارت به وی ننگرند.
(عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین(علیها السلام) به انسان‌ها آموخت، صص ۳۰۸-۳۱۰)

دقت در امور یاد شده و تطبیق آن با شرایط حضرت زینب(علیها السلام) در هنگام ایراد خطبه، یک بار دیگر برتری نیروی ایمان را بر قدرت‌های ظاهری به نمایش گذاشت و به جهانیان آموخت که می‌توان به رغم شکست‌های ظاهری به پیروزی رسید. (مصطفی حسینی رودباری، همان، ص ۹۲)

زینب(علیها السلام) با قلبی سرشار از ایمان و صلابتی استوار مصمم به ایراد خطبه گشت، آن هم در وضعیتی مملو از صحنه‌های جانکاهی چون، مصائب فراوان از واقعه عاشورا، حکومت نظامی شدید در کوفه، فشار خستگی سفر، دید منفی کوفیان به اسیران و محیطی از واقعه‌ی عاشورا، فشار خستگی سفر، دید منفی کوفیان به اسیران و محیطی ملتکب و پرسرو صدا بود. (عبدالکریم هاشمی نژاد، همان، ص ۳۰۸-۳۱۰)

زینب(علیها السلام) در بازار کوفه خطبه‌ای ایراد نمود و با اشاره‌ی دست همگان را به سکوت واداشت. راوی این سخنان نیز کلام او را برابر با اصل کلام پدر گرامی اش دانست: این خطبه در استناد مختلفی از جمله بلاغات النساء ابن طیفور (قدیمی ترین سند این خطبه در

قرن سوم)، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام از عمر رضا کحاله، بحار الانوار مجلسی، احتجاج طبرسی و لهوف ابن طاووس ذکر شده است.

علّت سخنرانی زینب(علیها السلام) در برابر نامحرمان

زینب(علیها السلام) عنصر عفت در میان مردان و نامحرمان به ایراد سخن می‌پردازند، از طرفی او فراموش نکرده است که مادرش فاطمه(علیها السلام) فرموده است:

«خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ؛ بِرَأْيِ زَوْجِيْنَ بَهْتَرَ أَنْ تَكُونَ نَسْوَةً وَ مَرْدَانَ رَأَيْنِيْنَ وَ مَرْدَانَ هُمْ أَنَّانَ رَأَيْنِيْنَ».(احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان دختر علی(علیها السلام)، ص ۳۲۲)

اکنون این پرسش تداعی می‌شود: چرا با وجود امام سجاد(علیها السلام) و قدرت آن حضرت بر سخنرانی، زینب(علیها السلام) در برابر نامحرمان صدا به سخن بلند نمود؟ زینبی که تا آن روز نامحرمی صدای او را نشنیده بود.

پاسخ را می‌توان این گونه بیان نمود:

۱- امامان معصوم(علیهم السلام) براساس برنامه‌ای که از سوی خداوند بر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله وسلم) ابلاغ شده است، عمل می‌نمایند. بنابراین سکوت امام سجاد(علیها السلام) در طول دوران اسارت از این جهت است.

۲- حکمت و ضرورت، اقتضا نمود که امام سجاد(علیها السلام) سکوت اختیار کند، زیرا سخنرانی ایشان موجب جلب انتظار عمومی می‌گشت و پس از پایان اولین نطق مانع سخن گفتن ایشان می‌شدند و دیگر فرصت برای افشاء جنایات یزیدیان نبود و شاید او را به قتل می‌رسانند و دیگر کسی از این خاندان باقی نمی‌ماند.(عباس حاجیان دشتی، نایبه الزهرا زینب کبری (علیها السلام)، صص ۱۶۶-۱۶۸)

۳- زینب(علیها السلام) با درحالی که اسیر است، به هنگام پایمال شدن حق مقدس و مسلم از باب اهم و مهم، موضوع مهم تر را انتخاب می‌کند تا پیرایه‌هایی که به نام اسلام، به دامن اسلام نشسته زدوده شود، و نیز راهی که حسین(علیها السلام) به خاطر آن جان خود و یارانش



را فدا نمود برای همگان روشن کند.) احمد صادقی اردستانی، صص ۳۲۳-۳۲۴

شرح خطبه‌ی زینب(علیها السلام) در کوفه

شرح زیبای خطبه

زینب(علیها السلام) همچون قرآن که در اولین صفحه با حمد الهی، سخن آغاز می‌کند، خطبه‌اش را با «الحمد لله» شروع می‌نماید که نشان دهنده اتصال همیشگی قلب آن حضرت(علیها السلام) به مقام حضرت حق است و از منظر زینب کبری(علیها السلام) تحمل مصائب کربلا و اسارت بخشی از الطاف الهی است که آنان را شایسته‌ی چنین لطفی نموده است.(مصطفی حسینی رودباری، همان، ص ۹۳-۹۴)

اما بعد از حمد و ثنای پروردگار ایشان با درود به پیامبر اکرم(صلی الله و علیه و آله و سلم) به عنوان «پدر» خویش خطبه خود را ادامه می‌دهند.

روش اهل بیت(علیهم السلام) در خطابه‌ها این گونه نبود که از پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) تعبیر به «پدر» کنند، آنان همواره از ایشان به «رسول» یا «نبی» و یا «جد» یاد می‌کردند و بر وی درود می‌فرستادند، اما زینب(علیها السلام) در اینجا فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ»؛

دروド بر پدرم پیغمبر. ذکر واژه‌ی «أبی» ممکن است به جهات ذیل باشد:

۱- ایشان با درود بر پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) به عنوان «پدر»، در حقیقت خود و قافله اسیران را معرفی نمود.

۲- سبب تحریک عواطف و احساسات مردم شد، تا سبب ایجاد زمینه برای شنیدن مطالب بعدی و افشاء جنایات بنی‌امیه گردد.(عبدالکریم هاشمی نژاد، همان، ص ۳۱۱-۳۱۲)

صفات پلید کوفیان

حضرت زینب(علیها السلام)، صفات زشت کوفیان را بر شمرد. صفاتی چون: مکر و نیرنگ، پیمان‌شکنی، خود پسندی، حقارت، کینه و حیات بیهوده.



زینب(علیها السلام) کوفیان را به آیه ۹۲ سورهٔ نحل تشبیه می‌کند که همانند آن زن پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام، وا می‌تابند! در حالی که سوگند خود را وسیلهٔ خیانت قرار می‌دهند....

علت به کار بردن این تمثیل، این است، که کوفیان بهترین فرصت را برای نابودی ظلم از دست داده و کوتاهی آنان سبب سوء استفادهٔ دشمن در تهدید علیه آنان شد و تمامی سوابق ارزشمندانه نابود گردید.

از آن جا که کوفیان خود را دوستدار اهل بیت(علیهم السلام) دانسته و از سوابق خویش در دفاع از آنان به خود می‌باليذند، زینب(علیها السلام) با یادآوری صفت خودستایی آمیخته با ننگ و کینه، تمام افتخارات آن‌ها را ادعای کاذب دانست. (مصطفی رودباری، همان، ص ۹۷-۹۸) در ادامه نیز، بیماری تملق و حقارت نزد دشمن را به کوفیان گوشزد می‌کند، چرا که آنان در بیعت با یزید همهٔ عزت خویش را یکجا معامله کرده و برای اثبات وفاداری به امویان مجبور به تملق گویی می‌شوند. (ر.ک: اسماعیل منصوری لاریجانی، زینب کبری فریادی بر اعصار، ص ۱۲۰) وجود این دو صفت رذیله نیز به دلیل وجود نفاق در آنان بود. از این رو خطر آن‌ها بیش از خطر کسانی است که آشکارا در برابر جبههٔ حق قرار می‌گیرند. (مصطفی رودباری، همان، ص ۱۰۰)

زینب(علیها السلام) در وصف حالات کوفیان، زندگی آن‌ها را پوچ و بی‌ثمر دانست و به رشد گیاه در مزبله و علامت ساخته شده بر روی قبر تشبیه فرمود.

حضرت(علیها السلام) می‌خواهند به کوفیان بگویند که هرگاه مردم تن به حکومتی ظالم دهند، فساد از وجود حاکمان در مردم سرایت خواهد نمود و اهل کوفه را با داشتن تمدن و هنر شهر نشینی، باطنی چون مردار به دلیل وجود رذایل اخلاقی بر شمرد. (محمد کاظم قزوینی، زینب کبری(علیها السلام) من المهد إلى اللحد، ص ۲۰۷)

مذمت کوفیان

زینب(علیها السلام) علاج جامعه‌ای که هر لحظه مرتکب خیانت می‌شوند، کلمات بسیار



گزنه‌ای چون لعن و نفرین دانست چرا که موعظه در آنان اثر نمی‌کرد: (محمد کاظم قزوینی، همان، ص ۲۰۲) بنابراین، دختر علی(علیها السلام) آنان را مورد نفرین قرار داده می‌فرمایند: «أَتَكُونُ؟ فَلَا رَقَاتِ الدَّمْعَةُ، وَ لَا هَدَاتِ الرَّنَّةُ»؛ (ابونصر اسماعیل، جوهری، صحاح جوهری، صص ۴۸۰ و ۴۵۰) هرگز آب دیدگان شما فرو نایستد و ناله‌های شما ساكت نگردد.

«معنای لغات؛ رقأت الدمعة»: خشک شدن اشک؛ الرنّه: صدای محزون در هنگام گریه) و در جای دیگر با الهام از قرآن می‌فرماید: «وَ بَعْدًا لَكُمْ وَ سَحْقًا» که کاربردی مشخص در سیاق آیات الهی دارد کوفیان را مورد نفرین قرار می‌دهد، [در این آیات اقوامی که مبتلا به عذاب الهی شده‌اند پس از آن نیز مورد نفرین الهی قرار گرفته اند].

از طرفی کوفیان خود را در جهنمی گرفتار می‌دیدند، گویا سخنی را که می‌گویند از زبان جهنمیان نقل می‌شود: «وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعَيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَبَّهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعَيرِ» (ملک، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱) و سپس در وجدان خویش به گناهشان اعتراف کرده‌اند «...فسحقاً لأصحاب السعير» زینب(علیها السلام) نیز از

این زاویه کوفیان را مستحق لعن می‌داند. (محمد علی طباطبائی، تجلی قرآن در کلام زینب (علیها السلام)، صص ۱۰۵-۱۰۶) زینب (علیها السلام) در ادامه‌ی سخننش، کوفیان را به نفرین دیگری توبیخ می‌کند: «تبت الأيدي»؛ دست‌های شما [از رحمت الهی] کوتاه شد.

این عبارت با الهام از سیاق‌های نفرین در زبان عربی می‌باشد بخصوص که این شیوه در ابتدای سوره‌ی «مسد» نیز آمده است. (همان، ص ۱۰۶) «تبت يدا أبي لهب و تب»؛ زیانکار و هلاک و بريده باد دو دست ابو لهب و زیانکار و تباہ شد ابو لهب.

زینب(علیها السلام) در یک نتیجه گیری از گفتار خویش با اقتباس از آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی مائدہ



فرجام چنین دینداری و صفات رذیله‌ی کوفیان را موجب خشم و عذاب الهی دانست، گناه آنان به قدری سنگین است که حضرت آنان را نه با ضمیر غایب بلکه ضمیر مخاطب، مورد عتاب قرار می‌دهد: «أَلَا ساءِ مَا ترَوْنَ»

حضرت زینب(علیها السلام) با توجه به شناخت کافی نسبت به مردم کوفه، با مهارت خاصی راه نفوذ در آن‌ها از طریق گریه یافت و توانست بر احساسات و عواطف مردم غلبه نماید و پس از آن با کلام کوبنده تری، اذهان قالب گرفته‌ی مردم را به فکر فرو برد. (اسماعیل منصوری لاریجانی، زینب کبری فریادی بر اعصار، ص ۱۲۴) لذا فرمودند: «اَيٰ وَاللهُ فَابْكُوا

كثيراً و اضْحَكُوا قَلِيلًا»

این فراز الهام گرفته از داستان منافقانی است که در جنگ تبوک، از شرکت در آن سر باز زدند و به سرزنش مسمانان مخلص در جنگ پرداختند، در این هنگام آیات ۸۱ و ۸۲ سوره‌ی توبه نازل شد. در اینجا خداوند خطاب به پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمودند: که اگر منافقان می‌توانستند بفهمند چه عذاب سوزانی برای آن‌ها در انتظارشان است، کمتر می‌خندیدند و بیشتر می‌گریستند.

زینب(علیها السلام) نیز با اقتباس از این آیه، کوفیان را با افعال امر مخاطب، سرزنش می‌کند. کوفیانی که پس از پی بردن به خطایشان، گریه‌هایشان به شیوه تبدیل گشت هر لحظه خود را در آتش، آشکارا می‌دیدند، چرا که می‌دانستند چه جنایت عظیمی را مرتکب شده‌اند شاید به همین دلیل است که گریه بر خنده برخلاف آیه مقدم شده است. (محمد علی طباطبائی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب (علیها السلام)، صص ۸۴-۸۵) در آیه منافقان غافل از عذاب بودند و بیشتر می‌خندیدند لذا خنده بر گریه مقدم شده است.

زینب(علیها السلام) در جملاتی تأکید می‌کند که جنایت کوفیان هیچ‌گاه محو نگردیده و در دنیا و آخرت گریبان آن‌ها را خواهد گرفت و این گناه تمام اعمال آنان را نابود نموده و به ذلت و مسکنت همیشگی دچار خواهند شد.



کوفیان با کشنن امام حسین(علیه السلام) و یارانش، حکومت یزید را یاری داده و تحت ستم بنی امیه قرار گرفته و بدین ترتیب موجب ذلت ابدی خود گردیدند.

حکومت حاجاج نیز نمونه‌ای از مسکنت و محدودیت فوق العاده‌ی کوفیان بود طوری که هیچ گونه آزادی نداشتند. (محمد علی طباطبائی، همان، ص ۹۷-۹۱)

(۴) ترسیم عظمت گناه کوفیان

زینب کبری(علیها السلام) در فرازی از خطبه، امام حسین(علیه السلام) را سید جوانان بهشت، جایگاه رسالت، بهترین پناهگاه، چراغ هدایت و ... معرفی می‌کند تا بدین وسیله بزرگی و زشتی گناهی را که کوفیان مرتکب شدند به آنان یادآوری نماید.

از سوی دیگر، عمل آنان را موجب اذیت و آزار پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) دانست و با تکرار جملاتی چون «ای کبید لرسول الله فریتم و ای کریمة له ابرزتم و ای دم له سفتکم...» دائمًا بر عذاب آن‌ها می‌افزود. زینب(علیها السلام) در فرازی دیگر عظمت این گناه را با گریه‌ی آسمان و اندوه ملک و ملکوتیان بیان می‌کند، در حقیقت، گریه‌ی آسمان کنایه‌ای بر تلخی این جنایت و دیدن اولین نشانه‌های عذاب الهی است. (محمد کاظم فروینی، همان، ص ۲۲۳)

(۵) محاکمه‌ی کوفیان

زینب(علیها السلام) کوفیان را به عذاب خوار کننده تر قیامت و نداشتن هیچ یاری کننده‌ای فرا می‌خواند و آنان را ازمهلت خداوند بیم می‌دهد: «و لا يسْتَخِفْنُكُمُ الْمَهَل». مهلت دادن خداوند دلیل بر کوتاهی خداوند و نادیده گرفتن گناه نیست بلکه به این معناست که خداوند با شتابزدگی مجرمان را مجازات نمی‌کند و به آنان فرصت کافی برای بیداری داده هنگامی که بیدار نشوند، آن وقت گرفتارشان می‌سازد. (ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۶-۴۷)



و از مجرمان اصلی این واقعه توسط حضرت مهدی(عجل الله و تعالی فرجه الشریف) انتقام می‌گیرد، (فجر، آیه ۱۴) چرا که خداوند همیشه در کمین کافران و گنه کاران است.

بازتاب سخنان زینب (علیها السلام) در کوفه

راوی می‌گوید: «به خدا قسم آن روز مردم را حیران و سرگردان دیدم آنان گریه می‌کردند و دست هایشان را به دندان می‌گزیدند. پیرمردی را دیدم که در کنار من ایستاده و محاسنش از اشک چشم‌تر شده بود، در حالی که می‌گفت: بابی اُتم و اُمی!...؛ پدر و مادرم فدای شما باد. پیران شما بهترین پیرها، جوانان شما بهترین جوان‌ها و زنان شما بهترین زن‌ها و خاندان شما بهترین خاندان‌ها هستند که هرگز خوار و مغلوب نمی‌شوند. در اینجا دو احتمال وجود داشت که سبب قطع سخنانی زینب (علیها السلام) در فضای آشفته‌ی کوفه بود:

احتمال اول: اینکه امام سجاد (علیها السلام) خطابه‌ی زینب (علیها السلام) را مؤثر و کافی دانست و عمه اش را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «ای عمه جان! سکوت کن و خاموش باش که برای آیندگان در گذشته درس و عبرت است، و تو بحمدالله عالمی، بدون آن که کسی به تو علم بیاموزد و تو می‌فهمی بدون آن که کسی چیزی به تو بفهماند و بدان که گریه و زاری کسی را که روزگار [از دست ما] گرفته است باز نمی‌گرداند، پس ساكت شد». (محمد کاظم، قزوینی، زینب کبری (علیها السلام) من المهد إلى اللحد، صص ۲۳۲-۲۲۹؛ ر.ک: طبرسی، احتجاج، ج ۳-۴، ص ۱۵۵-۱۵۹)

احتمال دوم این است که نیروهای نظامی با دیدن اوضاع بر آشفته‌ی کوفه از بیم آشوب شهر و قیام علیه حکومت، فکر چاره‌ای بودند که سخن زینب (علیها السلام) را قطع کنند. لذا دشمن، نیزه‌ای که سر مطهر حسین (علیها السلام)، بر آن بود در برابر کجاوه‌ی زینب (علیها السلام) حرکت داد و ایشان با دین این منظره‌ی دلخراش شدیداً ناراحت شد، اما تعادل خود را به دلیل رسالت خطیر و فوق العاده اش از دست نداد بلکه تأثرات قلبی خود را با اشعاری آشکار نمود و ناراحتی‌های درونش را با آن تسکین داد! (احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان



دختر علی(علیها السلام)، ص ۲۴۶؛ ر.ک: محمد جواد، مغنية و احمد، صادقی اردستانی، بنوی
شجاع زینب کبری (علیها السلام)، ص ۱۶۲)

آری، سخنان زینب(علیها السلام) در بازار کوفه بود که آتشی از حسرت و ندامت و رسوایی در سینه‌ی آنان برافروخت از آن پس، مردم این شهر، از سال قتل امام حسین (علیها السلام) خود را سرزنش کرده و آماده‌ی جنگ با بنی امية شدند تا این که لشگر پشمیمانان «توابین» با شعار «یاثارات الحسین» (بنت الشاطی، شیر زن کربلا، صص ۱۳۱-۱۳۴) و بعد از آن نیز، قیام‌های خونین کوفه به رهبری مختار و سلیمان بن صُرد ایجاد گشت. (عبدالکریم، هاشمی نژاد، درسی که حسین (علیها السلام) به انسان‌ها آموخت، ص ۳۱۶)

زینب (علیها السلام) بود که از خود ایشان بر آنان عذابی گمارد که با مرگ نابود نمی‌شد (آتش پشمیمانی) و گذشت سال‌ها و قرن‌ها و نسلی پس از نسل دیگر آن را می‌افزود، آنان می‌کوشند تا این آتش، روشن مانده و خاموش نشود، گویا این عذاب را کفاره و توبه‌ای می‌پندارند. (بنت الشاطی، ص ۱۳۶؛) در همین منبع آمده است: زینب(علیها السلام) در شب هم محرم عزایی سالیانه تأسیس کرد که در آن شب نواده‌های توابین نزد قبر حسین(علیها السلام) رفته تا صورت آن ماتم را تجدید کنند و سخت ترین عذاب را بر خود هموار می‌کنند تا کیفر گناه و اجداد ایشان باشد. البته این مصیبت خوانی و تعزیه را توابین و نواده‌های آن‌ها به وجود نیاورند بلکه عموم شیعیان در این ایام قیام می‌کنند با این تفاوت که این عزاداری را کفاره گناهان توابین نمی‌دانند.

شرح احتجاج زینب (علیها السلام) در مجلس ابن زیاد

هنگامی که ابن زیاد از افشا گری‌های سفیر کربلا در بازار کوفه هراسان شده بود مجلسی با شکوهی ترتیب داده و امر به حضور اسیران در آن مجلس نمود.

ابن زیاد زمانی که از بی اعتنایی زینب (علیها السلام) در بد و ورود به مجلس بر آشفت در جملاتی اهانت آمیز شهادت امام حسین (علیها السلام) را نشانه‌ی رسوایی و دروغگویی آنان

دانست و این جنایت بزرگ را به خواست و اراده‌ی خداوند گذاشت. (مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰)

ولی زینب(علیها السلام) با استدلال‌های محکمی اولاً او را فاسق و فاجر دانست. ثانیاً با استناد به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب، اهل بیت(علیهم السلام) را از هر گونه آسودگی به دور دانست. (اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۳۴-۱۳۶) ثالثاً به دشمن فهماند که معیار رسوایی، شکست خوردن نیست بلکه حقیقت جویی و حقیقت طلبی است. (عباس عزیزی، امام حسین (علیه السلام) از زبان مطهری، ص ۳۰۲-۳۰۴)

و در پایان هم با انتساب ابن زیاد به مادر زناکارش او را تحقیر نمود. (ابوالفضل طهرانی، شفاء الصدور، ص ۲۹۲-۲۹۳) و در برابر سخنانش عاجز کرد.

خطبه‌ی زینب(علیها السلام) در شام

فضا و موقعیت ایجاد خطبه

درک سخنان مستدل و محکم زینب (علیها السلام) در مجلس یزید، همانند خطبه‌ی ایشان در کوفه اولاً نیاز به بررسی وضع سیاسی-اجتماعی و روانی شام و ثانیاً بیان زمینه‌هایی که موجب ایجاد این خطبه گشت، دارد.

جو حاکم بر شام

جو شام خاموش‌تر از کوفه بود زیرا در طول ۴۶ سال حکومت اموی در آن جا چنان مردم در بی خبری محض از اسلام محمدی بودند و بعض خاندان علی (علیه السلام) در دل‌ها بدان حد بود که مردم لعن علی (علیه السلام) را برای خود جایز می‌شمردند.

مردم شام اسلام و مسلمانی را در معاویه می‌دیدند. از رفت و آمد مهاجر و انصار به خاطر دوری راه و احیاناً جدایی خط فکری با معاویه کمتر خبری بود و بیشتر حرف معاویه بود نه علی (علیه السلام) بسیاری از مردم نیز گمان می‌کردند که پیامبر به غیر از بنی امیه خویشاوندی ندارد، به ویژه که از لقب خال المؤمنین در دستگاه‌های تبلیغاتی، استفاده‌های زیادی می‌گشت و سعی می‌شد که از این طریق قداست معاویه در دل‌ها جا گیرد.



در سایه‌ی یکه تازی‌های معاویه در شام، غفلت و تبلیغات اشتباه نسبت به اسلام، شام در زیر ابر و مه غلیظی از تخدیرها، تحمیق‌ها و استحاله‌ها قرار گرفته بود. مردم به سرعت از مناعت و طبع اسلامی دست برداشتند و این رهایی تدریجاً آن‌ها را به سفلگی کشاند. مردمی خوار و بی مقدار، خاموش و بی تعهد، در خور سرزنش‌ها و تحقیرها و اسیر تصمیم‌گیران، شده بودند اگر مقاومتی هم از سوی مردم دیده می‌شد حکومت مکار به شدت آن‌ها را سرکوب می‌کرد و یا از طریق هدیه دادن، دشمنان خود را از میان بر می‌داشت. (علی قائمی، زندگانی زینب کبری^۳، صص ۱۱۰-۱۱۶)

زمینه‌های ایراد خطبه‌ی حضرت زینب(علیها السلام) در شام

از جمله، زمینه‌ها و علل خطابه‌ی حضرت(علیها السلام) بدین شرح است:

۱- نحوه‌ی ورود اسرا به دمشق به گونه‌ای که پیشاپیش آنها سرهای شهدا بر فراز نیزه‌ها بلند بود و شمر برای لجبازی با خاندان عصمت و طهارت، کاروان و نیزه داران را از میان جمع انبوه مردم گذراند تا داغ دیگری بر دلِ زخمی آن‌ها بگذارند و مردم نیز به شادی و هلله می‌پرداختند.

۲- یزید در مجلس با اشاره به سر مبارک امام حسین(علیه السلام) به حاضران می‌گفت که (امام حسین(علیه السلام)) اصل و نسب خویش را برتر از اصل و نسب من می‌دانست اما این که خود را بهتر از من می‌شمرد، شاید او این آیه را نخوانده بود. (محمد علی طباطبائی، همان، صص ۱۴۷-۱۵۲): «**قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».(آل عمران، آیه ۲۶)**

۳- بعد از خواندن آیه، یزید در حالی که شراب می‌خوردبا چوبی از خیزان بر لب و دندان امام حسین(علیه السلام) ضربه می‌زد و در همان حال اشعاری را سرود که حاکی از انکار وحی و قیامت، و بیان کینه نسبت به پیامبر و خانواده‌ی او و سرمستی و غرور ناشی از گمان

پیروزی بود. در این مجلس، یزید شدیدترین انواع اهانت به مقدسات، قبیح‌ترین اشکال استهزاء اعتقادات دینی را مرتكب گشت. (محمد علی طباطبائی، همان، ص ۱۵۶)

شرح خطبه‌ی زینب(علیها السلام) در مجلس یزید

حضرت زینب(علیها السلام) با دیدن این صحنه‌ی دردنگ و شنیدن اشعار کفر آمیز یزید (احمد صادقی اردستانی، همان، ص ۳۱۷) با صدایی محزون که هر قلبی را به درد می‌آورد، چنین ناله سر داد: «**يَا حُسَيْنَاهُ! يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ! يَأْبَنَ مَكَّةَ وَ مِنِي، يَأْبَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ**

سَيِّدَةَ النِّسَاءِ، يَأْبَنَ بُنْتَ الْمُصْطَفَى»

راوی می‌گوید: به خدا سوگند تمام حاضران به گریه افتادند و یزید ساکت بود. (محمد کاظم قزوینی، همان، ص ۲۷۲)، این جا بود که زینب(علیها السلام) دختر قهرمان علی(علیها السلام) باید رسالت الهی و تبلیغی خویش را عملی سازد. زینبی که تا کنون سخنگوی رسمي اهل بیت (علیهم السلام) بوده است، حال که دست تقدیر الهی او را به مرکز فساد و پلیدی کشانده است باید از این فرصت مناسب حداکثر استفاده را برای رساندن پیام خون شهیدان بنماید. مجلسی که در آن اعیان و رجال سیاسی شام، سفیر پادشاه روم و تعدادی از مسیحیان هم در آن جا حضور دارند. (احمد صادقی اردستانی، همان، صص ۳۲۳-۳۲۴) سپس حضرت زینب(علیها السلام) به پا خواست و خطبه‌ای ایجاد نمود که مسیر تاریخ را عوض کرد.

نتیجه‌ی اعمال یزیدیان تاریخ

حضرت زینب(علیها السلام) پس از حمد و ثنای پروردگار عالمیان و درود بر جدش، پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) و خاندانش به تصدیق کلام و وعده‌ی الهی می‌پردازد: «**صَدَقَ اللَّهُ سَبِّحَنَهُ كَذَلِكَ... صَدَقَ اللَّهُ جَمْلَهُ**» برگرفته از نصوص قرآنی است:

«**وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا**» (احزاب، آیه ۲۲) «هنگامی که مؤمنان لشگر احزاب را دیدند



و گفتند: این همان است که خداوند و رسولش به ما وعده فرمود و خدا و رسولش راست گفته اند. این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آن‌ها چیزی نیفزود.)
گرچه جمله‌ی «صدق الله»، عبارتی معروف است که پیش یا پس از آیه خوانده می‌شود، اما با توجه به شرایط خاص محیط ایراد خطبه و محیط روانی نزول این آیه، مناسبت نزدیکی میان آن‌ها دیده می‌شود.

در سوره‌ی احزاب پس از تشریح وضعیت‌های متفاوت منافقان، مشرکان و افراد سست ایمان در مواجهه با حادثه‌ی جنگ احزاب، به تشریح وضع روحی مسلمانان مخلصی می‌پردازد که به عکس منافقان از دیدن جمعیت انبوه کافران در جنگ نه تنها از مسیر حق خارج نشدنند، بلکه محکم‌تر از همیشه وعده‌ی الهی و رسولش را تصدیق نمودند. امروز زینب(علیها السلام) در چنین شرایطی قرار گرفته که لشکریان دشمن، تمام مردان خاندانش را به شهادت رسانده است. اما حضرت(علیها السلام) با دیدن صحنه‌ی تجمع مردم غفلت زده و نادان شام، شنیدن اشعار کفر آلود و مظاهر پیروزی یزید به یاد کلام الهی و وعده‌اش می‌افتد و با بانگ بلند به تصدیق گفته‌ی خدا بر می‌خیزد. (محمد علی طباطبائی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب(علیها السلام)، صص ۱۷۷-۱۷۸)

در این آیه خداوند سرانجام کار ستمگران را سوء العذاب (عذاب بد) معرفی کرده است که شامل آخرین مرحله‌ی کفر می‌گردد. آنچه که انسان را به این مرحله یعنی، تکذیب آیات و به سخره گرفتن آن سوق می‌دهد اصرار بر گناهان بدون هیچ توبه و بازگشتی است. این جاست که انسان به سبب گناهان زیاد نور ایمان از قلبش بیرون رفته مبتلا به ظلمت شک و تردید بلکه انکار می‌گردد.

منظور زینب(علیها السلام) نیز از آوردن این آیه در مقدمه‌ی خطبه این است که اگر یزید با این اشعار کفر آمیز، اسلام و ایمان را انکار می‌کند و آن‌ها را به سخره گرفته و کارش را انتقام از خاندان «بنی هاشم» می‌داند، جای تعجب نیست، این همان چیزیست که خدا فرموده است: مجرمان [کافران] سرانجام آیات ما را تکذیب می‌کنند. و اینک زینب(علیها السلام) یزید

را بازترین مصدق این آیه می‌بیند.

(۱) تحقیر یزید و مقابله با غرور او

زینب(علیها السلام) گمان یزید مبنی بر اینکه پیروزی خود را دلیل بر حقانیت و تقرب نزد خداوند شمرده باطل نمود «لاتطش جهلاً»؛ زینب(علیها السلام) چرا که علت غرور یزید را

جهل او می‌شمرد در تأیید این سخن می‌توان به این آیه و روایت استناد نمود:

پیامبر(صلی الله و علیه و آله وسلم) هنگام تلاوت آیه‌ی «يا ايها الذينَ ما غَرَّكَ بِرِّيْكَ الْكَرِيمِ» (انفطار، آیه ۶) فرمودند: «غَرَّهُ جَهْلُهُ؛ جَهْلٌ وَ نَادَانِيْشُ اَوْ رَا مَغْرُورٌ وَ غَافِلٌ سَاختَهُ».

ناصر مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۲۶، ص ۲۲۸

یزید به دلیل جهلش در حقایق و گمراهی در شناخت ارزش‌ها و اعتبارات و نیز به سبب فریفته شدن به ظواهر دچار غرور شده بود طوری که قدرت فهمش را از میان برده بود و کارهایش غیر عقلانی به نظر می‌آمد. (محمد کاظم قزوینی، همان، ص ۲۸۳)

در ادامه خطبه این بانوی بزرگوار به وسیله‌ی ذکر نام یزید با نام خودش، انتساب او به یابن الطلقاء (ای پسر آزادشده‌گان: این عبارت اشاره به وقایع روز فتح مکه دارد در آن روز رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) به نیکی، بدون فدیه و عوض آن‌ها را آزاد نمود)، اعتراض به رفتارهای پلیدش نسبت به اسرای اهل بیت(علیهم السلام) و کوچک شمردن یزید در برابر سخنانش، خلافت غصبی و قدرت پوشالی و بی کفایتی یزید را یادآور می‌شود.

سپس با تلاوت آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی آل عمران، مهلت خداوند به یزید را موجب سنگینی عذاب او در دنیا و آخرت دانسته و در زمرة کافران قرار می‌دهد. (اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۴۹-۱۵۰)

از سوی دیگر، شخصیت پلید و اصل و نسب فاسق یزید را یاد آور شده و تمام جنایات یزید را برخاسته از غرور، انکار رسول خدا(صلی الله و علیه و آله وسلم) و آیات پروردگار، اصل و نسب پلید او و صفات کفر آمیز و کینه‌های پنهانی‌اش شمرد.



(۲) محاکمه‌ی یزید و قاتلان امام حسین(علیها السلام)

زینب کبری(علیها السلام) در فراز دوم، به مخاصمه‌ی پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) با قاتلان امام حسین(علیها السلام) مخصوصاً یزید در قیامت اشاره می‌کند.

در عبارتی دیگر نیز لحن کلام را تغییر داده و از خداوند عذاب دردنگ کنیا و آخرت را برای ظالمان می‌خواهد تا حق پایمال شده‌ی شهدای اهل بیت(علیهم السلام) را از آنان بگیرد. نمونه‌هایی از این انتقام الهی در دنیا با قیام مختار و کشنن قاتلان امام(علیها السلام) محقق گردید.(ابن طاووس، لهوف، ص ۳۰۴-۲۵۶)

حضرت(علیها السلام) در فراز بعدی، با ترسیم عظمت گناه یزید و فروپاشی حکومتش در اندک زمان، عقوبت شدید او در دنیا و آخرت و محاکمه‌ی الهی و مخاصمه‌ی پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) و اهل بیت‌ش در قیامت به تهدید و ارعاب یزید می‌پردازد.

(۳) جایگاه نبوت، اهل بیت(علیهم السلام) و شهادت در کلام زینب(علیها السلام)

زینب(علیها السلام) با سخنانی افتخار آمیز خود و اهل بیتش را به قرآن و نبوت منتبه نموده و به جاودانگی یاد اهل بیت(علیهم السلام) تأکید ورزیدند، چرا که آنان انتساب به خداوند داشته و هر چه که منتبه به او باشد از نیستی و نابودی مصون است.(عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ص ۶۳-۶۵)

حضرت(علیها السلام) با استناد به آیه‌ی ۱۶۹ و ابتدای آیه‌ی ۱۷۰ از سوره‌ی آل عمران، جایگاه شهدای کربلا را در حالی که نزد پروردگارشان شادند، بیان می‌کند.

در تئوری مبارزاتی مکتب زینب(علیها السلام)، روح شهادت طلبی مرکز ثقل قیام اسلامی و رمز بیروزی و ثبات حکومت اسلامی در طول تاریخ است.(اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۵۶-۱۶۰)

حسن ختم خطبه‌ی زینب(علیها السلام)

در پایان خطبه، بانوی مجلله‌ی کربلا خداوند را به سبب سعادت خاندان اهل بیت و شهادت حسین(علیها السلام) و یارانش و همچنین انتقال آنان به جوار رحمت، رأفت، مغفرت و رضوان



الهی، حمد نمود و از خداوند می‌خواهد که پاداشی کامل به شهدای کربلا عطا فرماید.
پاداشی که همراه با بهره مندی از بهشت و احترام و سلامت و دوام این نعمت‌هاست.(ناصر
مکارم شیرازی، همان، ج ۱۱، ص ۱۱۲-۱۱۳) و در دنیا همراه با یاد نیکوی آنان باشد.

نمودهای قرآنی-بلاغی و فضایل و انجام رسالت کربلا در پرتو سخنان

زینب(علیها السلام)

نمودهای قرآنی و ادبی کلام زینب(علیها السلام)

زینب(علیها السلام) از بانوان بزرگواری است که زندگی در پرتو خانواده‌ای قرآنی، او را عملأً
تفسرده قرآن، عامل به احکام نورانی آن، مصدق باز و نمونه‌ی تربیت قرآنی نمود.
انس با قرآنی و به کار بردن آیات در خطبه‌های ایشان برای بیان اثبات حقایق و معارفی
والا همچون مادرش زهرا(علیها السلام) توانسته است حاکمیت و عمق تأثیر گذاری کتاب وحی
را بر دل جهانیان بشر آشکار سازد.(ر.ک: ابن طاووس، ص ۳۲۵)

خطبه زینب(علیها السلام) در کوفه، شباهت‌های کلی با قرآن به لحاظ محیط نزول قرآن و
محیط ایراد خطبه، تشابه خطبه با سوره‌ی توبه در آغاز کلام به دلیل محتوای آن دو و تأثیر
مشابه قرآن و این خطبه بر مخاطبان است. استنادات قرآنی در کلام سخنان حضرت زینب
(علیها السلام) به صورت انعکاسی از عین آیات، جملات قرآنی، کلمات قرآنی، مفاهیم قرآنی و
ترکیب آیات است. (محمد علی طباطبائی، همان، ص ۲۲-۶۲)

خطبه‌های زینب(علیها السلام) یکی از شاهکارهای ادبی نیز می‌باشد. اوج فصاحت و بلاغت
زینبی زمانی بروز می‌کند که ایشان با توجه به هر موقعیت، بهترین کلام را متناسب با آن
جایگاه بیان می‌کند.

سخنان حضرت(علیها السلام) به لحاظ بافت موقعیتی در کوفه از برجستگی‌های عاطفی
بیشتری برخوردار بود و در مجلس ابن زیاد و یزید که هدفی جز تحریف واقعه‌ی کربلا
نداشتند از اسلوب استدلایی و برهان همراه با مقداری عاطفه استفاده شده است.
اما به لحاظ بافت متنی که خود دارای دو بافت بنایی و ساختاری است، از نظر بافت بنایی،



دارای مقدمه، متن اصلی و خاتمه بوده، همگی تسلسل و اتحاد متنی دارند. در بافت ساختاری خطبه‌ی کوفه، از جملات دعایی و نفرین، جملات ندایی و طلبی، سجع، ایجاز، اسلوب انذار و صور خیال و... و در خطبه‌ی شام از اطناب در کلام، سجع، کاهش صور خیال و... استفاده شده است.(کبری روشنفکر و دانش محمدی، تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(علیها السلام)، ص ۱۴۵-۱۲۹)

نمود فضایل و انجام رسالت کربلا در پرتو سخنان زینب(علیها السلام)

سخنرانی‌های زینب(علیها السلام) در کوفه و شام به وضوح گویای برخی از کمالات این بنوی بزرگوار از جمله، علم و دانش، انس با قرآن، فصاحت و بلاغت، صبر و تسلیم در برابر خداوند، شجاعت و اهتمام به حفظ دین است.

انجام رسالت کربلا و رساندن پیام نهضت امام حسین (علیه السلام) به مردم در چهار مرحله

صورت پذیرفت:

۱- ایراد خطبه در بازار کوفه

۲- حضور در مجلس ابن زیاد

۳- حضور در مجلس یزید

۴- برپایی مجالس عزاداری در مدینه (ابن طاووس، ص ۳۱۲-۳۲۴)

مشی مبارزاتی زینب کبری(علیها السلام) در این موضع تکیه بر سه مرحله‌ی جبهه‌شناسی، عاطفه‌انگیزی و موج آفرینی است.

در جبهه‌شناسی سه ملاک موقعیت‌شناسی و داشتن نقشه‌ای دقیق و منظم و بیداری کامل او در این راه حائز اهمیت است.

در مرحله‌ی عاطفه‌انگیزی سعی در بیداری مخاطب می‌گردد و موج آفرینی نیز نتیجه‌ی دو مرحله‌ی قبل است چنانکه سخنان زینب(علیها السلام) سبب بیداری مردم کوفه و تصمیم به قیام آنها علیه حکومت بنی امية سرانجام نابودی این حکومت گردید. (علی قائمی، همان،

ص ۲۵۱-۲۶۰)

نتیجه بحث

با توجه به مباحث نگاشته شده، این نتایج را می‌توان ذکر نمود:

۱- کلام ایشان با استناد بر آیات قرآن، احادیث پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) و وقایع تاریخی، گویای بسیاری از فضایل و اعتقادات ناب زینبی است. علم و درایت، فصاحت و بلاغت، صبر و رضای، شجاعت، اهتمام به حفظ دین و نیز تسلط کامل او بر ظاهر و باطن کلام وحی و مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی است.

۲- آثار حیات بخش این سخنان در پیروزی نهضت امام حسین (علیها السلام)، جلوگیری از تحریف وقایع کربلا و نقش عظیم آن در بیداری افکار، توجه دادن به خاندان پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) و ایجاد خشم و غصب در دل های مردم نسبت به حکومت بنی امية در حساس ترین زمان به خوبی آشکار است. به بیانی دیگر، سخنان زینب(علیها السلام) سبب اوج عزت خاندان پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) و ذلت دشمنان ایشان بود.

۳- خطبه‌ی زینب(علیها السلام) به اقتضای شرایط عموم کوفه که مردمی جاهل و فریب خورده بودند دارای برجستگی‌های عاطفی و در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید که بیشتر خواص حضور داشتند، به کارگیری اسلوب برهان و استدلال است و تخطیه کردن ابن زیاد و یزید، توانست تأثیر شگرفی بر حاضران بر جای بگذارد.



منابع

*قرآن کریم.

- ۱- ابن طاووس، *لهموف*، ترجمه‌ی عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۷، چاپ هفدهم.
- ۲- امینی، زکیه، *یادگار یاس عقیله‌ی بنی هاشم*، به تصحیح علی اکبر مهدی پور، مشهد، ولایت، ۱۳۸۶.

- ۳- جزایری، نورالدین، **خصایص زینبیه**، به تحقیق ناصر باقری بیدهندی، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، **دب فنای مقربان**، به تحقیق محمد صفائی، عجلد، قم، اسراء، ۱۳۸۸، ج پنجم.
- ۵- جوهري، أبونصر اسماعيل، **صحاح جوهري**، به تحقیق د. محمد محمد طاهر، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م.
- ۶- دشتی، محمد، **فرهنگ سخنان امام حسین(علیه السلام)**، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۱.
- ۷- شهیدی، جعفر، **پس از پنجاه سال**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸.
- ۸- صادقی اردستانی، احمد، **زینب قهرمان دختر علی(علیه السلام)**، تهران، مطهر، ۱۳۷۲.
- ۹- طباطبائی، محمد علی، **تجلى قرآن در کلام حضرت زینب(علیها السلام)**، قم، ادیان، ۱۳۹۰، ج اول.
- ۱۰- طهرانی، ابوالفضل، **شفاء الصدور**، بتحقيق صادق حسن زاده، قم، نبوغ، ۱۳۹۱، ج اول.
- ۱۱- عزیزی، عباس، **امام حسین(علیه السلام) از زبان مطهری**، بی جا، صلاه، ۱۳۸۱، ج اول.
- ۱۲- فضائلی، حبیب الله، **مرد آفرین روزگار**، بی جا، واحد هنری دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۱۳- قائمی، علی، **زندگی حضرت زینب(علیها السلام)**، بی جا، امیری، ۱۳۷۲.
- ۱۴- قزوینی، محمد کاظم، **زینب کبری(علیها السلام) من المهد إلى اللحد**، ترجمه‌ی محمد اسکندری، تهران، مهریاس شمیم، ۱۳۹۰، ج سوم.

- ۱۵- محمدی اشتهرادی، محمد، **زینب فروع تابان کوثر**، تهران، برهان، ۱۳۷۶.
- ۱۶- مفید، محمد بن نعمان، **الارشاد**، ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی، ج ۲۰، بی‌جا، انتشارات علمیه‌ی اسلامیه، بی‌تا.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، ج ۱۱ و ۱۷، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۸، ج سی و چهارم.
- ۱۸- منصوری لاریجانی، اسماعیل، **زینب کبری**(علیها السلام) فریادی بر اعصار، تهران، آیه، ۱۳۷۸، ج اول.
- ۱۹- هاشمی نژاد، عبدالکریم، درسی که حسین(علیه السلام) به انسان‌ها آموخت، تهران، فراهانی، بی‌تا.

فهرست مقالات

- ۱- حسینی رودباری، مصطفی، بررسی خطبه‌ی زینب کبری(علیها السلام) در کوفه، میان رشته‌ای، شماره‌ی ۸۶، ۱۳۸۶.
- ۲- روشنفکر، کبری، دانش محمدی، **تحلیل گفتگو ادبی خطبه‌های زینب (علیها السلام)**، علوم قرآن و حدیث، شماره‌ی ۲۲، بهار ۱۳۸۸.